

گزارش

هم‌زمان با تشدید اتهامات آژانس، ایران بر حقوق هسته‌ای خود پافشاری می‌کند

پاسخ ایران به‌گزارش آژانس

مهدی بازرگان، در آستانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۹ و ۲۰ خرداد ۱۴۰۴، سفر بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، به تهران برای ارائه بسته پیشنهادی آمریکا، همراه با تماس تلفنی عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس و پاسخ مسبوط کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی وزارت امور خارجه، به گزارش اخیر آژانس، نشان‌دهنده تداوم معادلات دیپلماتیک معناداری است که از یک سو مبین فشارهای بین‌المللی بر تهران است و در سوی دیگر تلاش ایران برای تقابل با این فشارها را نشان می‌دهد.

سفر وزیر خارجه عمان به تهران و بسته پیشنهادی آمریکا

ساعاتی پس از انتشار گزارش جامع آژانس و بعدازظهر شنبه (۱۰ خرداد ۱۴۰۴)، بدر البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، در سفری کوتاه به تهران، بسته پیشنهادی ایالات متحده را به مقامات ایرانی تحویل داد. عباس عراقچی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد این پیشنهاد در چارچوب اصول، منافع ملی و حقوق ملت ایران بررسی و پاسخ داده خواهد شد. این سفر در بحبوحه مذاکرات جاری برای احیای توافق هسته‌ای و رفع تحریم‌ها که از آوریل ۲۰۲۵ آغاز شده است، انجام شد. البته نیویورک‌تایمز گزارش داد بسته پیشنهادی واشنگتن به تهران که توسط عمانی‌ها منتقل شد، حاوی یک سند است که به جای پیش‌نویس کامل توافق، مجموعه‌ای از نکات کلیدی را شامل می‌شود. سند مذکور توسط استیو یتیکاف، مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی، ارائه شده است. در این بسته پیشنهادی، ایالات متحده توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را خواستار شده و ایجاد یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای تولید انرژی هسته‌ای با مشارکت ایران، عربستان سعودی، کشورهای عربی و ایالات متحده را مطرح کرده است. این اولین پیشنهاد مکتوب آمریکا از آغاز مذاکرات اخیر محسوب می‌شود. اکسیوس هم به نقل از مقامات آمریکایی و منبعی مطلع گزارش داد که این پیشنهاد تلاشی برای رفع بن‌بست مذاکرات بر سر غنی‌سازی است. ایده کنسرسیوم منطقه‌ای که ابتدا توسط عمان مطرح و از سوی آمریکا پذیرفته شد، غنی‌سازی برای اهداف صلح‌آمیز تحت نظارت آژانس و آمریکا را پیشنهاد می‌دهد. بااین‌حال، یک پرسش کلیدی باقی است که محل تأسیسات غنی‌سازی این کنسرسیوم کجا خواهد بود؟ منبع اکسیوس تأکید کرد آمریکا ترجیح می‌دهد این تأسیسات خارج از خاک ایران باشد؛ موضوعی که احتمالا به مقاومت تهران مواجه خواهد شد؛ زیرا حفظ زیرساخت‌های هسته‌ای از خطوط قرمز ایران است. البته تهران اکنون موضوعی رسمی در قبال موضوع کنسرسیوم نداشته و مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه و مذاکره‌کننده کشورنام هم پیش‌تر عنوان کرده بود این مقوله تاکنون در گفت‌وگوها با طرف آمریکایی مطرح نشده است. بااین‌حال، ایران با سابقه همکاری گسترده با آژانس و شفافیت در فعالیت‌های هسته‌ای، به دیپلماسی متعهد مانده و این پیشنهاد را با دقت بررسی خواهد کرد. این اقدام عمان، به عنوان میانچی مورد اعتماد، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ کانال‌های گفت‌وگو در شرایط حساس کنونی است.

تماس تلفنی عراقچی و گروسی؛ هشدار به اقدامات سیاسی

به دنبال انتشار گزارش جامع آژانس، عباس عراقچی در گفت‌وگویی تلفنی با رافائل گروسی، مدیرکل آژانس، بر همکاری مستمر ایران با این نهاد تأکید کرد. او با اشاره به انجام تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران تحت نظارت آژانس، در چارچوب موافقت‌نامه دائم و عدم انحراف مواد هسته‌ای، از گروسی خواست واقعیت‌های همکاری ایران را در گزارش‌های خود منعکس کند تا از سوءاستفاده برخی کشورها برای پیشبرد اهداف سیاسی علیه ایران جلوگیری شود. عراقچی همچنین از گروسی خواست در نشست آتی شورای حکام، تبعات هرگونه اقدام سیاسی علیه ایران را به اعضا گوشزد کند. او هشدار داد ایران به هر تحرک نامناسب از سوی طرف‌های اروپایی واکنش مقتضی نشان خواهد داد و مسئولیت تبعات آن بر عهده کشوروهایی خواهد بود که آژانس را ازباز فشار سیاسی قرار دهند. این تماس در پی انتشار گزارش آژانس که ایران را به افزایش ذخایر اورانیوم ۶۰درصدی و فعالیت‌های اعلام‌نشده متهم کرده، انجام شد. ایران با بیش از ۴۵۰ بازرسی آژانس در سال ۲۰۲۴، یکی از شفاف‌ترین برنامه‌های هسته‌ای را دارد. این گفت‌وگو نشان‌دهنده عزم ایران برای حفظ همکاری با آژانس، هم‌زمان با دفاع از حقوق خود در برابر فشارهای سیاسی است.

حمید ابوطالبی، معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور در دوره روحانی، طی نوشته‌ای در شبکه ایکس با عنوان «زمان حیاتی تصمیم» هشدار داد ایران در آستانه بازگشت به شرایط بحرانی سال‌های ۹۰ و ۹۱ است. او با اشاره به تعلیق مذاکرات ایران با آمریکا و اروپا، به تحرکات دیپلماتیک اخیر، ازجمله سفر رئیس‌جمهور پیشکین به مسقط و ارائه پیشنهادات ترامپ توسط عمان، گزارش آژانس درباره نقض تعهدات هسته‌ای ایران و فشارهای دیپلماتیک برای پاسخ به این پیشنهادات، اشاره کرد. ابوطالبی معتقد است تنها راه خنثی‌سازی فشارها، تقاهم با آمریکا و برقراری روابط دیپلماتیک است تا از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت و فعال‌سازی مکانیسم ماشه جلوگیری شود. در غیر این صورت، بازگشت تحریم، قرارگرفتن ایران بدل فصل هفتم منشور ملل متحد و حتی تهاجم نظامی محتمل است. او از پرشکيان خواست با مردم صریح سخن گفته، خطرات را تشریح و برای جلوگیری از جنگ برنامه‌های خود را اعلام کند. البته دنیس سیتروونویچ، رئیس سابق میز ایران در سازمان اطلاعات نظامی اسرائیل نیز در تحلیل اخیر خود به مذاکرات حساس ایران و آمریکا اشاره کرده و باور دارد که هدف آمریکا از توافق موقت، جلوگیری از حمله احتمالی اسرائیل به ایران است. بنیامین نتانیاهو که از حمله‌نکردن به تأسیسات هسته‌ای ایران در اواخر ۲۰۲۴ شپیمان است، ممکن است برای مختل‌کردن مذاکرات، اقدام نظامی علیه تهران انجام دهد. سیتروونویچ تأکید کرد اگر پیشنهاد آمریکا حق غنی‌سازی ایران را نپذیرد، تهران آن را رد خواهد کرد، اما احتمالا برای حفظ مذاکرات، به دنبال اصلاح آن خواهد بود. در صورت بن‌بست مذاکرات، فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط کشورهای اروپایی محتمل است که می‌تواند ایران را به خروج از NPT سوق دهد. او هشدار داد نزدیکی ایران به آستانه هسته‌ای، تحمل جامعه جهانی را کاهش می‌دهد و ممکن است به تشدید فشارهای اقتصادی با اقدام نظامی منجر شود. المانیور به نقل از منابع اسرائیلی خبر داد که تنها هدف آمریکایی‌ها از عجله برای توافق موقت با ایران، به سفر رساندن حملات حمله اسرائیل است.

پاسخ مسبوط غریب‌آبادی به گزارش آژانس

علاوه بر تماس عراقچی با گروسی و هشدارهای لازم، کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه نیز پاسخیه مسبوط به گزارش جامع مدیرکل آژانس ارائه کرد که به تفصیل به ادعاهای مطرح‌شده پرداخته است. او اسوا تأکید کرد مادامی که فعالیت‌های هسته‌ای کشورها تحت نظارت آژانس باشد، هیچ نگرانی وجود ندارد و هیچ محدودیتی در اسناد آژانس برای سطح غنی‌سازی تعریف نشده است جز عدم انحراف به مقاصد غیرصلح‌آمیز. غریب‌آبادی با انتقاد از استناد گروسی به قطع‌نامه نوامبر ۲۰۲۴ شورای حکام که با فشار سه کشور اروپایی و آمریکا و بدون اجماع تصویب شد، آن را اقدامی سیاسی خواند که دستاوردهای سفر گروسی به ایران را نادیده گرفته است. او افزود گزارش آژانس که بر ادعاهای مربوط به مواد هسته‌ای در چهار مکان بیش از دو دهه پیش متمرکز است، هیچ ابهامی درباره فعالیت‌های جاری ایران یا انحراف مواد هسته‌ای ارائه نکرده است.

واکاوی آینده روابط ایران با آژانس، اروپا و آمریکا در گفت‌وگو با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

توپ هسته‌ای در زمین اروپا و آمریکا

۱۳۳۸

عبدالرحمن فتح‌اللهی، در آستانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ (۹ ژوئن ۲۰۲۵)، انتشار گزارش محرمانه آژانس درباره برنامه هسته‌ای ایران، فشارهای سیاسی علیه تهران را شدت بخشیده است. این گزارش مدعی است ایران تا ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۴، ۴۰۸٫۶ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰درصدی ذخیره کرده که نسبت به فوریه (۲۷۴٫۸ کیلوگرم) ۱۳۳٫۸ کیلوگرم افزایش یافته است. روتینرز ادعا می‌کند ایران در سایت‌های لويزان-شیان، ورامین و تورقوژآباد فعالیت‌های اعلام‌نشده داشته و نورمن مدعی است ایران سوخت کافی برای «۱۰ بمب هسته‌ای» دارد. رافائل گروسی این اقدام را «نگران‌کننده» خوانده و خواستار همکاری کامل ایران شده است. ایران این اتهامات را رد می‌کند و تأکید دارد برنامه‌اش صلح‌آمیز و تحت نظارت گسترده آژانس (۴۵۰ بازرسی در ۲۰۲۴) است. افزایش غنی‌سازی، پاسخ به خروج آمریکا از برجام و عدم تعهد اروپا بوده است. بنیامین نتانیاهو گزارش را نشانه «برنامه تسلیحاتی» ایران خوانده است؛ ادعایی از سوی تنها دارنده سلاح هسته‌ای منطقه. به گزارش روتنرز، آمریکا با حمایت بریتانیا، فرانسه و آلمان (E3) پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای را برای محکومیت ایران به دلیل «نقض تعهدات پادمانی» آماده کرده است که برای اولین بار در ۲۰ سال گذشته چنین اتهامی را مطرح می‌کند. این قطع‌نامه که در نشست شورای حکام بحث خواهد شد، می‌تواند پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد و مذاکرات تهران-واشنگتن را مختل کند. ایران به اروپا هشدار داده به هر تشدید تنش، با اقدامات هسته‌ای پاسخ خواهد داد و این فشارها را گامی به سوی مکانیسم ماشه می‌داند. عباس عراقچی توقف غنی‌سازی را غیرقابل قبول خوانده است. هرگونه قطع‌نامه می‌تواند مذاکرات عمان را به بن‌بست بکشان.

به منظور بررسی سناریوهای پیش‌روی روابط ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تروینکای اروپا و ایالات متحده آمریکا و نیز تبیین آینده مذاکرات هسته‌ای ایران-واشنگتن و معادلات پس از احتمال فعال‌شدن مکانیسم ماشه، پای گفت‌وگو با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی نشسته‌ام تا ارزیابی راینز فرهنگی اسبق ایران در امارات متحده عربی و دبیر علمی کنفرانس امنیتی تهران را در این ارتباط جویا شویم. متن پیش‌رو حاصل گپ‌وگفت با رئیس پیشین دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی است که از نظر می‌گذرانید.

-
-
-

❧ سرانجام پس از مدت‌ها انتظار، گزارش درخواستی تروینکای اروپایی از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران منتشر شد. هرچند از قبل می‌توانستیم این بارآورد را داشته باشیم که احتمالا آژانس، گزارش مثبتی از همکاری ایران با تهران نخواهد داشت، اما مطرح‌شدن برخی نکات و بازکردن برخی پرونده‌های مختومه درآین گزارش، قطعاً تبعات گسترده‌ای را برای نشست فصلی شورای حکام دربر دارد. از نگاه شما، نکات برجسته گزارش جامع آژانس شامل چه مواردی است؟

به نظر من گزارش جامع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چند ویژگی و مشخصه سه مشخصه بارز و حائز اهمیت دارد؛ نخست آنکه از ۲۰ سال پیش، یعنی از سال ۲۰۰۴ تا به اکنون این اولین بار است که در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی دوباره به نقض تعهدات عدم اشاعه ایران اشاره شده است و این نکته بسیار اهمیت دارد. چون در سال ۲۰۰۵ هم یک سلسله گزارش‌های مشابه منتشر و قطع‌نامه محلی مصوب شد و پس از آن بود که در سال ۲۰۰۶، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد. پس در این دو دهه شاهد این نوع عبارات در گزارشات آژانس و اشاره به موضوع نقض تعهدات عدم اشاعه ایران نبودیم. نکته مهم دیگر این است که در گزارش جامع آژانس دوباره موضوع ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران، موسوم به PMD (Possible military dimensions) مطرح و این پرونده باز شده است. در این گزارش جامع برای اولین بار مراکز هسته‌ای و مشخصا شیان-لويزان، ورامین و ترقوژآباد به معادلات قبل از سال ۲۰۰۳ میلادی ارتباط داده شده و بدون ارائه هیچ مدرکی، آژانس مدعی است این مراکز هسته‌ای که ایران اطلاعات از آن‌ها گرفته، بخشی از همان تحرکات ساختارمند تهران در حوزه ابعاد احتمالی نظامی هسته‌ای بوده است. این نکته به نظر من یکی از منفی‌ترین و مخرب‌ترین ابعاد گزارش جامع آژانس است. نکته سوم این است که در گزارش جامع مانند گزارش‌های دوره محمد البرادعی (مدیرکل اسبق آژانس) که سعی شده بود پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شود، صراحتاً عنوان شده که «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمی‌تواند تأیید کند که ابعاد پرونده هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است».

❧ با این سه نکته‌ای که عنوان داشتید، آیا باید فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه توسط تروینکای اروپایی را قطعی دانست؛ هرچند شما در مصاحبه‌ای که داشتیم، تأکید کرده بودید در عالم سیاست و دیپلماسی منطقی نیست که دست به پیش‌بینی قطعی زد؟

با توجه به این نکته‌ای که عنوان کردم، به نظر من شرایط کنونی ما با آژانس و اروپا تا حد بسیار زیادی شبیه سال ۲۰۰۵ میلادی است و بعد از آن بود که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارسال شد. ولی مشخصا درخصوص فعال‌کردن مکانیسم ماشه باید این نکته را متذکر شد که فعال‌شدن این سازوکار، اساسا و لزوما نیاز به گزارش جامع یا برگزاری نشست شورای حکام ندارد، بلکه اعضای برجام و مشخصا تروینکای اروپایی می‌توانند براساس مکانیسم تعبیه‌شده در برجام برای حل اختلافات، پروسه بازگشت قطع‌نامه‌های سازمان ملل را شروع کنند. بااین‌حال، انتشار این گزارش جامع با مفاد و ادعاهایی که در آن طرح شده است، می‌تواند کمکی جدی به اروپایی‌ها در این زمینه بکند. یعنی این گزارش، عملا فضا و بستری لازم یا توجیه کافی برای اروپا در جهت فعال‌کردن مکانیسم ماشه را خواهد داد. اگرچه نشست

فصلی شورای حکام و گزارش‌های آژانس و پروسه فعال‌کردن مکانیسم ماشه دوریل موازی هستند، اما در این مقطع، ادعاهای آژانس می‌تواند به اروپا در این زمینه کمک کند.

❧ مشخصا مکانیسم ماشه فعال خواهد شد؟

تصویب قطع‌نامه ضدایرانی در نشست فصلی شورای حکام محتمل به نظر می‌رسد و می‌تواند در ادامه به فعال‌شدن مکانیسم ماشه منجر شود.

❧ در این بین آینده مذاکرات ایران و ایالات متحده آمریکا را پس از پنج دور و در آستانه دور ششم چگونه می‌بینید؟ با فعال‌شدن مکانیسم ماشه آیا باید فاتحه گفت‌وگوهای هسته‌ای را خواند؟ ضمناً می‌خواستم این سؤال را هم بپرسم که اگر قبل از ۲۰ خرداد که نشست فصلی شورای حکام شروع می‌شود، ایران در دور ششم (مشروط به برگزاری آن) بتواند با آمریکا به یک ابتکار عمل برسد، واشنگتن می‌تواند برلین، پاریس و لندن را مدیریت و کنترل کند تا از فعال‌کردن مکانیسم ماشه خودداری کند؟ چون در این راستا دو سناریوی محتمل وجود دارد؛ از یک طرف آلمان، فرانسه و انگلستان به دلیل آنکه از مذاکرات هسته‌ای کنار گذاشته شده‌اند، عملاً با فعال‌کردن این مکانیسم، خود را به مذاکرات تحمیل خواهند کرد. لذا ایالات متحده قدرت کنترل تروینکای اروپایی برای خودداری از فعال‌کردن مکانیسم ماشه را ندارد. در سوی دیگر برخی معتقدند دونالد ترامپ توان مدیریت مکرون، مرس و آستامر را دارد.

هر دو سناریویی که گفتید، به کم میزان امکان وقوع دارد. از یک سو واقعا محتمل به نظر می‌رسد که آلمان، فرانسه و انگلستان فشارخ از نتیجه مذاکرات ایران و آمریکا به دنبال فعال‌کردن مکانیسم ماشه خواهند بود تا خود را به مذاکرات تحمیل کنند. اما در سوی دیگر احتمال کنترل و مدیریت پاریس، برلین و لندن توسط واشنگتن هم وجود دارد.

❧ به باور خودتان کدام‌یک از این دو گزاره امکان وقوع بیشتری دارد؟

من معتقدم اگر مذاکرات ایران و آمریکا به یک توافق منجر شود، آن زمان بسیار بعید خواهد بود تروینکای اروپایی به سمت فعال‌کردن مکانیسم ماشه بروند؛ چون در آن صورت عملاً مذاکرات و توافق هسته‌ای بلاموضوع خواهد شد و این چیزی نیست که ترامپ به دنبال آن باشد. لذا دو امکان وجود دارد؛ یا دونالد ترامپ به شکل ضمنی این سه کشور را از فعال‌کردن مکانیسم ماشه بازدارد یا می‌توان در جریان مذاکرات با آمریکا این شرط ضمنی را از جانب ایران مطرح کرد که در صورت موفقیت گفت‌وگوها و دستیابی به توافق، دیگر آلمان، فرانسه و انگلستان به سمت فعال‌کردن مکانیسم ماشه حرکت نکنند؛ این به عنوان یکی از مطالبات یا پیش‌شرط‌های ایران روی میز گذاشته شود تا آمریکا متعهد شود مانع از اقدامات مخرب تروینکای اروپایی در جهت بازگشت قطع‌نامه‌های شورای امنیت شود. من دوباره یادآور می‌شوم که اگر مذاکرات ایران و آمریکا منتج به یک توافق شود، بعید است تروینکای اروپایی به سمت اقدامات مخرب بروند. در واقع ترامپ این اجازه را به این سه کشور نخواهد داد.

❧ اگر به نتیجه نرسد، چطور؟

در آن صورت بی تردید تروینکای اروپایی مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. اگرچه به نظرم به لحاظ حقوقی، با توجه به عدم پابندی آنها به مفاد برجام، ایران نیز در مقابل تعهدی به اجرا نداشته و اساسا این مکانیسم نیز بلاموضوع و منفی شده است.

❧ در این بین یک تناقض در رفتار آمریکا دیده می‌شود. روتنرز در گزارشی مدعی است به گفته سه دیپلمات، پس از انتشار گزارش جامع آژانس، ایالات متحده پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای را آماده خواهد کرد که ایران را به نقض تعهدات پادمانی خود متهم می‌کند. یک دیپلمات چهارم نیز تأیید کرد قدرت‌های غربی در حال تدوین پیش‌نویس قطع‌نامه‌ای هستند، اما جزئیات بیشتری ارائه نکرد. پس اگر واشنگتن تمایلی به فعال‌کردن مکانیسم ماشه نداشته باشد، چرا در تدوین قطع‌نامه ضدایرانی محتمل در نشست شورای حکام همکاری دارد؟

به نظر من این موضوع را باید در یک فرآیند کلی ببینیم.

❧ چطور؟

واقع امر این است که تلاش برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه و اقدام آمریکا در راستای تدوین قطع‌نامه ضد ایرانی و همچنین این گزارش جامع آژانس، بخشی از یک پروژه آمریکا در قالب همان فشار حداکثری همه‌جانبه است. اگر خاطرتان باشد، در مصاحبه گذشته با شما و روزنامه «شرق» بر این نکته تأکید کردم که اکنون دونالد ترامپ به دنبال اجرای سیاست فشار حداکثری علیه ایران است که صرفا محدود به ابعاد اقتصادی، تجاری و تحریم‌ها نمی‌شود، بلکه ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی هم پیدا کرده است. به بیان روشن‌تر، در دولت اول دونالد ترامپ، کارزار فشار حداکثری فقط یا بیشتر بُعد و

۱۳۳۸

واکاوی آینده روابط ایران با آژانس، اروپا و آمریکا در گفت‌وگو با سیدجلال دهقانی فیروزآبادی

توپ هسته‌ای در زمین اروپا و آمریکا

۱۳۳۸



۱۳۳۸

ماهیت اقتصادی داشت، اما اکنون کارزار فشار حداکثری ابعاد نظامی، امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک هم پیدا کرده است. مجموعه این نکات از نقش‌آفرینی آمریکا در تدوین قطع‌نامه ضد ایرانی تا تلاش برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه و گزارش جامع آژانس، مبین فعال‌شدن کارزار فشار حداکثری همه‌جانبه در ابعاد سیاسی، دیپلماتیک، نظامی و امنیتی است.

❧ و هدف آن چیست؟ فشار به تهران در راستای پذیرش توافق مدنظر آمریکا؟

دقیقا، کارزار فشار حداکثری همه‌جانبه در ابعاد اقتصادی، نظامی، امنیتی، سیاسی و دیپلماتیک تلاش دارد با کاهش گزینه‌های روی میز ایران، شرایطی را فراهم کند که تهران در نهایت توافق مدنظر و مطلوب آمریکا را بپذیرد. به بیان دقیق‌تر، اکنون کارزار فشار حداکثری اروپا و آژانس با هدف تحقق توافق حداکثری برای آمریکا در دستور کار است. روافع آمریکا و اروپا در چارچوب یک تقسیم کار درصدد تنگ‌ترکردن حلقه محاصره سیاسی-دیپلماتیک ایران هستند.

❧ به بخشی از سؤال قبل بازگردیم و از جنبه دیگری آن را واکاوی کنیم. لارا روزن، خبرنگار آمریکایی حوزه سیاست خارجی، در خبرنامه خود تحت عنوان «دیپلماتیک» نوشته بود ایالات متحده و ایران درحال حاضر تلاش می‌کنند متن یک چارچوب سیاسی را نهایی کنند. در صورت امکان پیش از نشست بعدی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در تاریخ ۹ و ۱۰ ژوئن (۱۹ و ۲۰ خرداد)، یکی از منابع گفته است احتمالا این سند «چارچوب مسقط» نام می‌گیرد، اما به افتخار پایتخت عمان که تاکنون پنج دور مذاکره میان ایران و آمریکا با میانجیگری آن در شهرهای مسقط و رم برگزار شده است. فعال‌شدن مکانیسم ماشه هرگونه ابتکار احتمالی را از بین می‌برد؟

به نظر من گزارش گروسی و زمینه‌سازی برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه به شکل هم‌زمان می‌تواند یک تأثیر دوگانه و متناقض‌نما را بر مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا داشته باشد؛ یعنی این اقدام آژانس و تلاش اروپا از یک سو می‌تواند مذاکرات را تخریب کند و از سوی دیگر می‌تواند به‌عنوان کاتالیزور و تسریع‌کننده در گفت‌وگوهای هسته‌ای تهران و واشنگتن عمل کند.

❧ چگونه چنین برداشتی دارید؟

اکنون اکثر برداشت‌های رسانه‌ای و تحلیلی و بیشتر ارزیابی کارشناسان این است که در صورت تصویب قطع‌نامه در نشست آتی آژانس و تلاش اروپا برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه، باید مذاکرات را پایان‌یافته دانست؛ یعنی این گزارش جامع و احتمال تصویب قطع‌نامه یا ارجاع پرونده به شورای امنیت، کارکرد تخریبی بر مذاکرات دارد. اما من معتقدم از منطری دیگر نیز می‌توان موضوع را تحلیل کرد؛ به‌گونه‌ای که این گزارش جامع و تصویب قطع‌نامه احتمالی و تلاش برای فعال‌کردن مکانیسم ماشه می‌تواند باعث شود مذاکرات به شکل جدی‌تر برای دستیابی به توافق حتی به صورت موقت و حداقلی پیش رود. البته باید آذمان کرد که شرایط کنونی وزن برخی جریان‌های سیاسی در آمریکا مانند نئونک‌ها یا سناتورهای تندرو را که مخالفان جدی با مذاکرات ایران دارند، تقویت خواهد کرد و باعث بزرگ‌ترشدن طیف سیاسی آمریکایی طرفدار غنی‌سازی صفر خواهد شد، تا جایی که می‌تواند ترامپ را در ادامه مسیر مذاکره با تهران به تردید بیندازد؛ یعنی این گزارش جامع اکنون دست این جریان‌های جنگ‌طلب ضد مذاکره و ضد دیپلماسی را پر و موضع آنها را تقویت خواهد کرد. اما به باورم این گزارش جنبه کارکردی دیگری در کشاکش سیاسی در آمریکا دارد. به این معنا که می‌تواند موضوع طرفداران راحل سیاسی و گزینۀ دیپلماسی در آمریکا را تقویت کند و باعث تسریع گفت‌وگوها با ایران شود. همان‌گونه که پیش‌تر به موضوع کارزار فشار حداکثری سه‌بعدی دولت دوم ترامپ اشاره داشتیم که جنبه‌های سیاسی، نظامی، امنیتی و دیپلماتیک پیدا کرده است. این شرایط به نظر آنها، عملاً شرایطی را به وجود خواهد آورد تا تهران با کاهش گزینه‌ها نهایتاً توافق مدنظر آمریکا را بپذیرد. به بیان دیگر این نیروهای سیاسی در درون دولت ترامپ و بیرون از آن اکنون سعی دارند این‌گونه القا کنند که طرفین برای آنکه به نقطه بازگشت‌ناپذیر یا مدیریت‌ناپذیر نرسند، هرچه زودتر باید به سمت توافق بروند. البته توافق مدنظر آنها همان توافق ایدئال آمریکایی‌هاست. از این زاویه، گزارش جامع اکنون می‌تواند وزن و موضع طرفداران مذاکره و توافق با ایران را هم در آمریکا تقویت کند. بر پایه این استدلال که اگر طبق مفاد گزارش جامع آژانس هرچه زودتر به مذاکره و توافق با ایران دست پیدا نکنیم، به نظر آنها، تهران فاصله بسیار کوتاهی تا نقطه گریز هسته‌ای دارد و این هم می‌تواند به نحوی تقویت‌کننده گزینه دیپلماسی باشد، بنابراین امکان دارد آمریکا را وادار هرچه سریع‌تر به سمت توافق با ایران پیش برد.

خبر

پورمحمدی: آیا باید بنشینیم و هر روز تحریم جدیدی تحمل کنیم؟

رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی با طرح پرسش آیا باید بنشینیم و هر روز تحریم جدیدی تحمل کنیم؟ اظهار کرد: مذاکره میدان رقابت برای گرفتن حق است و اگر کسی همه‌چیز را به مذاکره گره بزند، قطعاً اشتباه می‌کند، اما این اشتباه بهانه نمی‌شود که اساسا از مذاکره عقب‌نشینی کنیم. به گزارش ایستنا، حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی پورمحمدی به مناسبت فرارسیدن سالگرد امام راحل در «دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران»، با بیان اینکه نیروهای مسلح، سپاه، ارتش و دیگر مجموعه‌های ما توانایی‌های زیادی دارند و دشمن از این موضوع نگران است، تأکید کرد: چیزی که دشمن حتی بیشتر از اینها نگران‌ش است، توان فکری و تمدنی‌ای است که در انقلاب ما ایجاد شده و برجستگی‌هایی است که از این جهت به وجود آمده. مثلاً این همه کشمکش که آمریکایی‌ها با ما بر سر سلاح هسته‌ای دارند، خوب است این اعداد را بدانیم و با همین اعداد محاسبه کنیم. امروز حداقل بیش از ۱۰ هزار کلاهک هسته‌ای در دنیا وجود دارد که می‌توانند کره زمین را ده‌ها بار نابود کنند. با این وجود، به ما می‌گویند شما شاید بخواهید بمب اتمی بسازید، شاید بخواهید به آن نزدیک شوید! این‌قدر سروصدا و جاروجنجال به راه می‌اندازند.

وی با طرح این پرسش‌که آیا واقعا نگرانی آمریکا این است که بخواهیم به بمب اتمی نزدیک شویم، تصریح کرد: ندایی که فقط صدای زور را می‌شناسد، طبیعی است که چنین نگرانی‌هایی داشته باشد، اما نگرانی واقعی بسیار عمیق‌تر از اینهاست. نگرانی اصلی آنها این است که پایه‌های فکری‌شان در داخل کشورهای خودشان متزلزل شود و این مسئله بسیار مهمی است. امروزه در غرب، در آمریکا و بسیاری از کشورهای دیگر، این تزلزل فکری ایجاد شده است. نمی‌خواهم بگویم که به سمت ما روی آورده‌اند؛ نه، بلکه نسبت به داشته‌های خودشان دچار نگرانی و تزلزل شده‌اند و حتی بی‌ایمان شده‌اند. به آن وعده‌ها، آرمان‌ها و رؤیابرداری‌هایی که درباره تمدن‌هایشان مطرح می‌کردند، اکنون با نگرانی، تردید و وسوسه می‌نگرند و این موضوع در شرایط کنونی جهان، یک مسئله جدی است. جمهوری اسلامی-یا بهتر بگویم ایران اسلامی- در این میان نقش مهمی ایفا می‌کند. جمهوری اسلامی فقط یک نمودار و جلسه‌ای از حرکت ایمانی مردم ما و ظرفیت‌های موجود در جامعه ماست.

پورمحمدی تأکید کرد: این توان ظرفیتی فوق‌العاده است که دشمنان می‌خواهند آن را ناکام بگذارند و از رشد و پیشرفت بازدارند. هر روز، از صبح تا شب، برای اقتصاد ما مشکل ایجاد می‌کنند. مناسفانه بخشی از ناکارآمدی‌ها و بی‌تدبیری‌های خودمان هم به این مشکلات دامن می‌زند و مسائل زیادی برای کشور ایجاد می‌شود. هدف‌شان ایجاد ناامنی در کشور ماست؛ سابقاً آن را پیش از این هم دیده‌ام و امروز هم به‌وضوح شاهد ادامه همین تلاش‌ها هستیم. پیوسته به دنبال ناامنی، جنگ‌افروزی و آشوب هستند و همه ما از این رویدادها آگاهیم. وی در بخشی دیگر از سخنانش افزود: مذاکره یک میدان رقابت برای گرفتن حق است. اما اگر کسی همه چیز را به مذاکره گره بزند، دلبسته آن شود، قطعاً اشتباه می‌کند؛ این کار حتما غلط است و نباید انجام شود. بااین‌حال، این اشتباه بهانه نمی‌شود که فقط چون برخی به مذاکره دلبسته‌اند، ما اساسا از مذاکره عقب‌نشینی کنیم. اگر این‌طور شود، طرف مقابل می‌گوید اینها اصلاً حرفی برای گفتن ندارند، اصلاً اهل گفت‌وگو و تعامل نیستند، می‌خواهند دورتادور خودشان حصار بکشند و در خودشان فرو بروند، پس ما هم باید فشارها را بیشتر کنیم، محدودیت‌ها و تحریم‌ها را افزایش دهیم و عرصه را تنگ‌تر کنیم.